



Rulings on women's I'tikāf in Islamic jurisprudence

Pardis Rosatmi¹ | Soheila Rostami² | Wrya Hafidi³

1. MA, Department of Shafi'i Jurisprudence, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: p.rostami7727@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Shafi'i Jurisprudence, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: s.rostami@uok.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Shafi'i Jurisprudence, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: w.hafidi@uok.ac.ir

Abstract

I'tikāf is an Islamic practice consisting of staying in a mosque for a certain number of days. It has a profound effect on spiritual purification and mental tranquility. This form of worship existed in previous religions and has been affirmed and emphasized in Islam. Most rulings on I'tikāf are common between men and women, though Islamic jurisprudential schools differ on certain aspects, such as the impact of gender on the location of women's I'tikāf, the necessity of a husband's permission for the validity of a wife's I'tikāf, and the ruling on combining Iddah with I'tikāf. The present article employs a descriptive-analytical method, utilizing library and documentary sources, to conduct a comparative study of the rulings on women's specific I'tikāf in Islamic jurisprudence. An examination of jurisprudential perspectives reveals that the preponderant opinion regarding the place of I'tikāf for women is that it should be performed in a mosque, although the Hanafis consider I'tikāf at home to be preferable for women. Given that Friday prayers are not obligatory for women, the mosque's status as a congregational mosque (jāmi') is not a condition for the validity of their I'tikāf. From a jurisprudential standpoint, married women must obtain their husband's permission. In cases where a woman's waiting period (Iddah) coincides with I'tikāf, jurists have presented two views: either completing the I'tikāf first or then observing the Iddah at home, or vice versa. Menstruation and postpartum bleeding nullify a woman's I'tikāf, but after they end, she may return to the mosque and resume her I'tikāf, provided the necessary conditions are met. However, irregular bleeding (Istihazah) does not invalidate I'tikāf.

Keywords: I'tikāf, Women, Place of I'tikāf, Husband's permission, Nullifiers (actions that invalidate I'tikāf).

Cite this article: Rosatmi, P., Rostami, S., & Hafidi, W. (2025). Rulings on women's I'tikāf in Islamic jurisprudence. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 58 (1), 235-258. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.394763.669837>



Article Type: Research Paper

Received: 6-May-2025

Received in revised form: 13-Jun-2025

Accepted: 25-Aug-2025

Published online: 21-Sep-2025

احکام اعتکاف بانوان در فقه اسلامی

پردیس رستمی^۱ | سهیلا رستمی^۲ | وریا حفیدی^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
رایانامه: p.rostami7727@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه:
s.rostami@uok.ac.ir
۳. دانشیار، گروه فقه شافعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه:
w.hafidi@uok.ac.ir

چکیده

اعتکاف، به معنای ماندن در مسجد از مناسک آیینی است که تأثیر ویژه‌ای بر تزکیه نفس و آرامش روان دارد. این عبادت در ادیان قبل وجود داشته و مورد تأیید و تأکید اسلام قرار گرفته است. غالب احکام اعتکاف میان مردان و زنان مشترک بوده و مذاهب فقهی در تأثیر جنسیت بر محل اعتکاف بانوان، جایگاه اذن زوج بر صحت اعتکاف، حکم اجتماع عده با اعتکاف و اختلاف نظر دارند. مقاله حاضر براساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی تطبیقی احکام اعتکاف خاص بانوان در فقه اسلامی پرداخته است. بررسی دیدگاه‌های فقهی بیانگر آن است که نظر راجع درخصوص محل اعتکاف بانوان آن است که در مسجد باشد؛ هرچند حنفیه اعتکاف در منزل را برای زنان افضل دانسته‌اند. با توجه به عدم وجوب نماز جمعه بر بانوان، جامع بودن مسجد شرط صحت اعتکاف نیست. از نگاه فقهی، کسب اجازه و استئذان از شوهر برای زنان متأهل لازم است. در صورت اجتماع عده و اعتکاف، فقها دو دیدگاه ابتدا اتمام اعتکاف و سپس رجوع به منزل و گذراندن عده و عکس آن را بیان نموده‌اند. حیض و نفاس از مبطلات اعتکاف بانوان است که پس از اتمام آنها، امکان رجوع به مسجد و ازسرگیری اعتکاف با رعایت شرایط آن وجود دارد؛ اما استحاضه از مبطلات اعتکاف به‌شمار نمی‌آید.

کلیدواژه‌ها: اعتکاف، بانوان، محل اعتکاف، اذن زوج، مبطلات.

استناد: رستمی، پردیس، رستمی، سهیلا، و حفیدی، وریا (۱۴۰۴). احکام اعتکاف بانوان در فقه اسلامی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۸ (۱)، ۲۳۵-۲۵۸.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jzfil.2025.394763.669837>



مقدمه

نیازهای معنوی و لزوم تعالی و رشد روحی انسان، از مسائلی است که به دلیل تغییر سبک زندگی، امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و مراکز بهداشتی و درمانی نیز در کنار مجامع علمی و دینی به دنبال راهکارهایی برای حفظ و ارتقای سلامت روانی و آرامش درونی هستند (سو^۱، ۲۰۱۷: ۹۰۵-۹۱۳). مراقبه و خلوت از راههایی است که در غالب ادیان به عنوان روشی برای کسب آرامش توصیه می شود و در اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. معتکف علاوه بر مراقبه و خلوت، به ذکر و مناجات با خدای خویش می پردازد (ساداتی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۱-۷۴) و این ذکر موجب آرامش بیشتر و دوری از اضطراب های روحی می گردد (رعد: ۲۸). براساس آیات قرآن، اعتکاف پیش از اسلام نیز معمول بوده و در آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز ضمن تأیید و تقریر آن به برخی از احکام آن اشاره شده است. احادیثی چون «كَانَ (النَّبِيُّ ص) يَغْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَقَّاهُ اللَّهُ» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۳: ۴۷) بیانگر اهتمام پیامبر (ص) به اعتکاف بوده و از این رو، در همه مذاهب اسلامی بر مشروعیت و اهمیت آن، اجماع نظر (شرینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۶۵۸؛ زحیلی، ۱۴۳۲ق: ج ۲: ۲۲۵؛ ابواسحاق شیرازی، بی تا: ج ۱: ۳۴۹؛ نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱۷: ۱۶۰) وجود دارد.

اعتکاف به عنوان یکی از مباحث عبادی، در بیشتر منابع فقهی به صورت یکی از مباحث روزه، در کتاب «الصوم» ذکر شده است. نویسندگان و پژوهشگرانی نیز به صورت مستقل، در این زمینه دست به قلم شده و تحقیقات و پژوهش هایی را در این باره انجام داده اند از جمله: (۱) کتاب «الإنصاف فی احکام الاعتکاف» تألیف: علی حسن علی عبد الحمید، ۱۴۰۷ق، عمان، المکتبه الاسلامیه. (۲) کتاب «فقه الاعتکاف» تألیف: خالد علی المشیقح، ۱۴۱۹ق، الرياض، مکتبه الملک فهد. (۳) کتاب «سنة الاعتکاف، احکام و آداب و ثمرات» تألیف: محمود احمد الزین، ۱۴۳۱ق، دبى. (۴) کتاب «اعتکاف و احکامه» تألیف: الامین الحاج محمد احمد، ۲۰۰۷م. (۵) پایان نامه «اعتکاف در مذاهب خمس»، نوشته: محمد مصطفوی، رشته معارف اسلامی، دانشگاه قم، ۱۳۷۷ش. (۶) پایان نامه «شروط، ارکان، احکام و آداب اعتکاف از نظر فقه مذاهب اسلامی» نوشته: علی اسدی، رشته معارف اسلامی، دانشگاه تهران دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۰ش. چنان که بررسی کلی پژوهش های ذکر شده نشان می دهد، آثار فوق موضوع اعتکاف را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده و به احکام اعتکاف خاص بانوان اشاره نشده و یا بسیار مختصر ذکر شده است. علاوه بر این، غالب آثار نگاشته شده به زبان عربی بوده و یا به ذکر آرای همه مذاهب نپرداخته اند؛ از این رو پژوهش حاضر در نظر دارد با تحلیل و بررسی جامع آرای فقهای اهل سنت و امامیه به صورت تطبیقی به تبیین احکام خاص بانوان در حوزه اعتکاف بپردازد. همچنین، تمایل زیاد بانوان به انجام اعتکاف برای بهره مندی از آثار مثبت روحی آن

¹. Soo.

و کثرت ابهام و سوال درخصوص جزئیات احکام اعتکاف بانوان، سبب نگارش پژوهش حاضر شده است و تلاش شده است به مهم ترین سوالات در مورد احکام خاص اعتکاف بانوان پاسخ داده شود. با استقرای احکام فقهی مشخص می شود عامل «جنسیت» در غالب احکام عبادی تأثیرگذار نبوده و احکام فقهی برای زنان و مردان مشترک و مساوی می باشد؛ با این حال در برخی از ابواب و مسائل فقهی همچون: جهاد و نماز جمعه، احکام بانوان متفاوت می باشد. در بررسی و تحلیل احکام فقهی اعتکاف نیز سوالات مختلفی در این راستا قابل طرح است. برخی از این سوالات عبارتند از: آیا تفاوتی از حیث مکان اعتکاف زنان و مردان وجود دارد؟ آیا اذن شوهر در اعتکاف واجب یا سنت لازم است؟ حدوث حالات خاص زنان، همچون: حیض، نفاس و ... چه تأثیری بر صحت و ادامه اعتکاف دارد؟ در صورت اجتماع عده طلاق یا وفات با اعتکاف، کدام یک مقدم می شوند؟ پژوهش حاضر برای پاسخگویی به سوالات فوق و تحلیل عامل «جنسیت» بر احکام خاص اعتکاف بانوان، براساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی و ابزار فیش برداری، به بررسی احکام خاص بانوان در فقه اسلامی پرداخته است. برای پاسخ به سوالات ذکر شده و ورود به بحث، مناسب است ابتدا به مفهوم شناسی «اعتکاف» پرداخته و سپس به تبیین و تحلیل تفاوت احکام اعتکاف زنان با مردان پرداخت.

۱. مفهوم شناسی «اعتکاف»

واژه «اعتکاف» از ریشه «عَكَفَ، يَعْكِفُ» مشتق شده و معنای حقیقی آن: حبس، منع، روی آوردن، اقامت کردن و ماندن بر چیزی یا در مکانی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹: ۲۵۵؛ فیومی، بی تا: ج ۲: ۴۲۴؛ ازهری، بی تا: ج ۱: ۲۰۹) بوده و در معانی مجازی: اشتغال و رزیدن، سخت مشغول کاری شدن و روی آوردن نیز به کار رفته است (حنفی رازی، ۱۹۹۹م: ۲۱۶)، (ازهری، ۲۰۰۱م: ج ۱: ۲۰۹؛ قرطبی، ۱۹۶۴م: ج ۱۶: ۲۸۳؛ فارابی، ۱۹۸۷م: ج ۴: ۱۴۰۱). در زبان فارسی نیز اعتکاف به معنای: انتظار، در خلوت نشستن و ... است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۲: ۲۹۱۹-۲۹۲۰). به شخصی که در مسجد به عبادت می پردازد، «عاکف» یا معتکف می گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۱: ۵۷۹؛ جرجانی، بی تا: ج ۱: ۱۳؛ فراهیدی بصری، بی تا: ج ۱: ۲۰۶؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۴: ۱۴۰۶؛ زبیدی، بی تا: ج ۱۲: ۳۹۶).

اعتکاف از نظر شرعی عبارت است از «ماندن و اقامت کردن در مسجدی که نماز جماعت در آن خوانده می شود با نیت عبادت و با وجود شرایطی خاص» (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱: ۲۸۹ و ۲۰۴؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۴۰؛ قرافی، ۱۹۹۴م: ج ۲: ۵۳۴؛ نووی، بی تا، ج ۶: ۴۷۴؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۷ق: ج ۲: ۷۰۵). اعتکاف عبادتی بر فضیلت است و دو رکن دارد: ۱- نیت مُعتکف، ۲- توقف و ماندن در مسجد. در مورد مدت زمان ماندن در مسجد، محدوده خاصی ذکر نشده است و همچون سایر امور مستحب به توانایی و اراده مکلف واگذار شده است (ابن

قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۲؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۴۱؛ بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۳: ۴۸؛ شربینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۶۵۹؛ نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۷: ۱۶۲-۱۷۰).

حکم شرعی اعتکاف

همه مذاهب فقهی بر سنت بودن اعتکاف اتفاق نظر دارند و فقهای امامیه معتقدند در برخی از روزها اعتکاف افضل است (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱: ۲۸۹؛ نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۷: ۱۵۹). از نگاه جمهور اهل سنت، اعتکاف در ۱۰ روز آخر ماه رمضان سنت مؤکده می باشد (مرغینانی، بی تا: ج ۱: ۱۲۹؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۴۲-۴۴۱؛ دسوقی، بی تا: ج ۱: ۵۴۱؛ ابن رشید الحفید، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۷۶؛ شربینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۶۵۸؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۵۳؛ ابن ابی ثعلب، ۱۴۰۳ق: ج ۱: ۲۸۳؛ اما در صورت نذر، از نگاه همه مذاهب، اعتکاف واجب می شود (ابواسحاق شیرازی، بی تا، ج ۱: ۳۴۹؛ ابن نجیم، بی تا، ج ۲: ۳۲۲؛ کلودانی، ۱۴۲۵ق: ۱۶۶؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۷۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۶۷۶-۶۷۷).

حکم اولیه استحباب اعتکاف از عبارت «وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» در آیه ۱۸۷ سوره بقره گرفته شده است و با توجه به آنکه واژه «عاکفون»، جمع مذكر سالم است، ولی همه مذاهب بر دلالت آن بر ثبوت حکم شرعی بر زنان اتفاق نظر داشته و قرینه تشریع و نحوه استعمال این جمع در لسان شارع را مبنای دخول زنان در حکم آیه می دانند (زیدان، ۱۳۹۳ق: ۳۰۸-۳۰۹). بنابراین فقها به اتفاق معتقدند در آیه «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»، زنان نیز در مجموعه خطاب آیه مذکور قرار می گیرند و حکم اعتکاف در آیه، همان طور که برای مردان ثابت می شود برای زنان نیز ثابت است (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۱۳؛ ابن جزی، بی تا: ۸۴؛ نووی، بی تا: ج ۶: ۴۷۷؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۲؛ کلینی، ۱۳۶۷ش: ج ۴: ۱۷۶؛ حرعاملی، بی تا: ج ۱۰: ۵۴۹). علاوه بر این احادیثی که در منابع حدیثی در مورد سفارش و تأکید پیامبر (ص) بر اعتکاف، و روایاتی که در مورد اعتکاف دختران و همسران پیامبر و زنان صحابه بر اعتکاف نقل شده است (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۱: ۶۹؛ عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ج ۱: ۴۱۲) همگی از دلایل اتفاق نظر مذاهب بر استحباب اعتکاف برای زنان است.

۲. محل اعتکاف بانوان

فقها با استناد به عبارت «وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره: ۱۸۷) معتقدند که تصریح به قید «فی المساجد» بیانگر لزوم اعتکاف در مسجد بوده و چون حضور در نماز جماعت بر مردان واجب یا سنت مؤکده است؛ لذا اتفاق نظر وجود دارد که اعتکاف باید در مسجدی باشد که در آن نمازهای جماعت و جمعه اقامه می شود (زحیلی، ۱۴۳۲ق: ج ۲: ۲۲۸؛ حلبی، بی تا: ۱۴۳؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۲؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ق: ج ۲: ۷۷). آنچه در مورد اعتکاف زنان قابل بررسی است؛ این است که آیا

اعتکاف زنان هم باید در مسجد - اعم از مسجد محله و مسجد جامع - باشد یا این که زنان می‌توانند در منزل نیز اعتکاف را انجام دهند؟ فقها در این زمینه دو دیدگاه مختلف دارند:

۱-۲. دیدگاه جمهور

جمهور فقهای امامیه، مالکیه، حنابلّه و قول جدید شافعیّه معتقدند اعتکاف تنها در مسجد جایز صحیح است و در این مورد تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد (نووی، بی‌تا: ج ۶: ۴۸۰؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۷؛ حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۰: ۵۴۹-۵۵۱؛ نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۷: ۱۷۴-۱۷۶)، و برای اثبات دیدگاه خویش، به دلایل زیر استناد نموده‌اند:

الف) خداوند در آیه «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» یکی از شروط صحت اعتکاف را، انجام آن در مسجد بیان فرموده و از آنجا که حکم آیه عام است، شامل زنان نیز می‌شود (نووی، بی‌تا، ج ۶: ۴۸۳؛ خطاب، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۵۵)؛ لذا انجام اعتکاف برای زنان نیز تنها در مسجد جایز بوده و ماندن در غیر مسجد اعتکاف به‌شمار نمی‌آید.

ب) در روایت «لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَ لَا يَخْرُجَ فِي شَيْءٍ إِلَّا لِحَاجَةٍ، أَوْ يَعُوذَ مَرِيضًا، وَ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، قَالَ: وَ اعْتِكَافُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ ذَلِكَ» (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۰: ۵۴۹) اعتکاف مختص مسجد اعلام شده و ذکر شده‌است که معتکف تنها برای امور ضروری مانند تشییع جنازه و عیادت اجازه خروج از مسجد داشته و تفاوتی بین احکام زنان و مردان در این زمینه وجود ندارد.

ج) مستند دیگر جمهور، قول صحابی است. چنان‌که از عبدالله ابن عباس سؤال شد که آیا زن می‌تواند در خانه‌اش اعتکاف نماید؟ جواب داد: این عمل بدعت است و مغبوض‌ترین عمل نزد خداوند اعمال بدعت‌آمیز است (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۷؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۱-۳۵۲).

با استناد به دلایل فوق، جمهور فقها معتقدند اعتکاف زنان در منزل صحیح نیست؛ چراکه مکان اعتکاف مسجد است و منزل نمی‌تواند جای مسجد را بگیرد و مشمول احکام مسجد نمی‌شود؛ و وجه تمایز منزل و مسجد در این است که افرادی که دچار حدث اکبر و یا حیض شده‌اند، نمی‌توانند وارد مسجد شوند در حالی که برای منزل چنین محدودیتی وجود ندارد. علاوه بر آن هدف از اعتکاف تعظیم و تکریم مسجد است و این هدف در منزل حاصل نمی‌شود (نووی، بی‌تا، ج ۶: ۴۸۳؛ خطاب، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۵۵). همچنین اگر اعتکاف زنان در خانه‌شان افضل و یا جایز بود، لازم بود پیامبر (ص) آنرا تبیین کرده و یا زنان یا دختران پیامبر اکرم (ص) آنرا در خانه انجام می‌دادند. از دیگر دلایل عقلی برخی از فقها، قیاس اعتکاف بر طواف است و معتقدند همچنان‌که در طواف اختلافی بین زنان و مردان وجود ندارد، در اعتکاف نیز همین امر جاری است (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۷).

بر این اساس، از نگاه جمهور، اعتکاف زنان و مردان تفاوتی نداشته و لزوماً باید در مسجد انجام شود.

۲-۲. دیدگاه حنفیه

در کنار رأی جمهور، حنفیه در مورد مکان اعتکاف بانوان دو دیدگاه را بیان نموده‌اند:

اول) جمهور احناف معتقدند محل اعتکاف بانوان در خانه و در همان جایی است که همواره به عبادت خداوند متعال می‌پردازد و اعتکاف صحیح زنان آن است که در منزل باشد (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۱۳؛ مرغینانی، بی‌تا: ج ۱: ۱۲۹).

دوم) روایتی از امام ابوحنیفه و قول قدیم امام شافعی نیز بر آن است که چنانچه زنان در مسجد اعتکاف نمایند، اشکالی ندارد و صحیح است؛ اما افضل آن است که اعتکاف زنان در منزل باشد (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۱۳؛ ابن همام، ۱۳۸۹: ج ۲: ۳۹۴). حنفیه برای اثبات دیدگاه خویش به دلایل زیر استناد کرده‌اند:

الف) حنفیه به حدیث بخاری که اعتکاف همسران پیامبر (ص) در غیرمسجد اشاره دارد، استناد کرده‌اند. روایت بیانگر آن است که پیامبر (ص)، همسران خود را از اعتکاف ده روز آخر رمضان مطلع کردند؛ پس از اطلاع عایشه و حفصه از تصمیم ایشان، آن دو هم از پیامبر (ص) اجازه اعتکاف گرفتند و پیامبر (ص) نیز بدانها اجازه داد. زینب بنت جحش که از مسئله آگاه شد، درخواست کرد که برای وی جایگاهی (خیمه) برای اعتکاف آماده شود و برای وی جایگاه خاصی آماده شد. هنگامی که پیامبر (ص) پس از نماز به سوی خیمه خویش بر می‌گشت، آن جایگاه‌ها (خیمه‌ها) را دید و پرسید: این‌ها چه هستند؟ پاسخ دادند: جایگاه عایشه و حفصه و زینب هستند. پیامبر (ص) فرمودند: آیا هدفشان تقوا و نیکی است؟ من معتکف نیستم. سپس برگشت و پس از عید فطر، ده روز از شوال را اعتکاف نمود^۲ (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۳: ۴۹). بر این اساس، حنفیه معتقدند اعتکاف زنان باید در منزل باشد یا در آنجا افضل است؛ اما جمهور فقها معتقدند این روایت دلیلی بر جواز اعتکاف در غیرمسجد ندارد، و دلیل ترک اعتکاف پیامبر اکرم (ص)، اعتکاف زنانش در مسجد نبوده؛ بلکه برپا کردن خیمه در مسجد بوده که سبب کمبود جا و تنگی فضای مسجد شده‌است. علاوه بر این، اعراب بادیه‌نشین و منافقان در مسجد رفت و آمد داشتند و پیامبر (ص) نیز نسبت به زنان خود غیرت داشته و به همین دلیل ایشان این کار را ترک نموده‌اند (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۷).

ب) دلیل دیگر حنفیه استناد به حدیث «نماز خواندن زن در خانه‌اش بهتر از نماز خواندن او در حجره (مکان خالی، حیاط خلوت خانه) است، و نماز خواندن زن در مخدع (دورترین اتاق خانه به درب یا اتاق مخفی)، بهتر از نماز خواندن او در خانه است»^۳ می‌باشد (ابی داود، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۶) که هر دو

۲. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) ذَكَرَ أَنَّ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ، فَاسْتَأْذَنَتْهُ عَائِشَةُ فَأَذِنَ لَهَا، وَسَأَلَتْ حَفْصَةُ عَائِشَةَ أَنْ تَسْتَأْذِنَ لَهَا فَفَعَلَتْ، فَلَمَّا رَأَتْ ذَلِكَ زَيْنَبُ بِنْتُ جَحْشٍ أَمَرَتْ بِنَاءَ قُبَيْيٍ لَهَا، قَالَتْ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا صَلَّى انْصَرَفَ إِلَى بَنَاتِهِ، فَيَصْرُ بِالْأَبْنِيَةِ، فَقَالَ: (مَا هَذَا). قَالُوا: بِنَاءُ عَائِشَةَ وَحَفْصَةَ وَزَيْنَبَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): (الْبِرُّ أَرَدَنَ بِهَذَا؟ مَا أَنَا بِمُعْتَكِفٍ). فَرَجَعَ، فَلَمَّا أَفْطَرَ اغْتَعَتَفَ عَشْرًا مِنْ شَوَّالٍ.

۳. صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي حُجْرَتِهَا، وَصَلَاتُهَا فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا.

حدیث بیانگر آن است که عبادت و نمازخواندن زنان در خانه، بهتر از عبادت آنها در خارج از خانه است؛ زیرا نمایان شدن زینت زنان و استفاده آنان از عطر ممکن است باعث ایجاد فتنه و فساد شود؛ بنابراین خواندن نماز برای زنان در خانه بهتر است. البته این به معنای منع زنان از رفتن به نماز جماعت نمی‌باشد؛ زیرا احادیثی از پیامبر اکرم (ص) به این مضمون نقل شده که به مردان دستور داده‌اند، که آنها بعد از اتمام نماز جماعت اندکی صبر کنند تا زنان از مسجد خارج شوند؛ چراکه این کار باعث جلوگیری از ایجاد فتنه و فساد می‌شود (عسقلانی، ۱۳۸۰ق: ج ۲: ۳۵۰؛ زحیلی، ۱۴۳۲ق: ج ۱: ۳۱۷؛ بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۱: ۲۷۲).

جمهور با نقد قیاس اعتکاف بر نماز، آن را قیاس مع الفارق دانسته و گفته‌اند افضل بودن نماز برای زنان در خانه، نمی‌تواند دلیلی بر جواز اعتکاف زن در خانه باشد؛ همچنان که افضل بودن خواندن نماز سنت در خانه برای مردان نیز نمی‌تواند دلیلی بر جواز اعتکاف مردان در خانه باشد (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۷) و در این مسئله بین حکم نماز زن و مرد تفاوت وجود دارد، چون شرکت در نماز جماعت برای مرد واجب یا سنت مؤکده است و قید خاصی ندارد؛ در حالی که شرکت زنان در نماز جماعت مقید به عدم فتنه است و در صورت احتمال فتنه، زن باید در منزل نماز بخواند؛ بر این اساس، چون مقیس و مقیس علیه هر دو دارای علت یکسان نیستند، امکان قیاس آنها بر یکدیگر وجود ندارد. (ج) براساس آموزه‌های دینی، نماز خواندن زنان، در منزل برتر از نماز در مسجد است؛ بنابراین بهترین مکان برای اعتکاف نیز همانند محل نمازخواندن ایشان است، همچنان که پیامبر (ص) بهترین مکان نماز بانوان را داخل خانه معرفی کرده و فرمودند: «فِي أَشَدِّ مَكَانٍ مِنْ بَيْتِهَا ظُلْمَةً». برخی از فقهای حنفی، روایت «پیامبر (ص) زمانی که تصمیم به انجام اعتکاف گرفتند، امر نمودند که خیمه‌ای در مسجد برای ایشان برپا شود. امر ایشان اطاعت شد. سپس وقتی که به مسجد برگشتند؛ خیمه‌های دیگری را نیز مشاهده کردند که در آنجا بنا شده بود. سؤال کرد که صاحبان این خیمه‌ها چه کسانی هستند؟ گفتند برای عائشه و حفصه است. پیامبر (ص) خشمگین و عصبانی شدند و فرمودند آیا هدفشان از این کار کسب خیر و ثواب است؟ سپس دستور دادند که خیمه ایشان (ص) را جمع کنند و در آن ۱۰ روز دیگر اعتکاف ننمودند»^۴ دلیلی بر ممنوع بودن اعتکاف بانوان در مسجد ندانسته و آن را حمل بر کراهت نموده‌اند و معتقدند این کراهت مربوط به عصر و زمان پیامبر اکرم (ص) است؛ اما در عصر حاضر - که تقوا و پرهیز مردم همچون صدر اسلام نیست - ممنوع بودن اعتکاف بانوان در مسجد اولی‌تر است (سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۱۹).

در نقد این استدلال می‌توان گفت قول این گروه زمانی قابل پذیرش است که در مساجد، مکان مناسبی برای اعتکاف بانوان تدارک دیده نشده باشد؛ در حالی که در عصر حاضر در اغلب مساجد قسمتی از مسجد به عبادت بانوان اختصاص داده شده و تردد در مساجد موجب اختلاط یا آزار بانوان

۴. لَمَّا أَرَادَ الْإِعْتِكَافَ أَمَرَ بِقُبَّةٍ فَضَرِبَتْ فِي الْمَسْجِدِ فَلَمَّا دَخَلَ الْمَسْجِدَ رَأَى قِبَابًا مَضْرُوبَةً فَقَالَ: لِمَنْ هَذِهِ فَقِيلَ لِعَائِشَةَ وَحَفْصَةَ فَقَضِبَ وَقَالَ: أَلَيْسَ يَرَدُنَّ بَيْتِي وَفِي رَوَايَةٍ يَرَدُنَّ بَيْتَهُ، وَأَمَرَ بِقُبَّتَيْهِ فَنَقَضَتْ فَلَمْ يَغْتَكِفْ فِي ذَلِكَ الْعَشْرِ.

نمی‌گردد. بدیهی است که اگر مکان مسجد برای تردد یا ماندن زنان نامناسب باشد و یا به گونه‌ای باشد که احتمال آزار و فتنه زیاد باشد، حضور زنان در آن مساجد، جایز نیست.

د) مساجدی که در آن نمازهای جماعت اقامه می‌شود، محل تردد افراد مختلف - اهل ایمان و غیره - است و جواز اعتکاف زنان در مساجد، مقدمه اختلاط و فتنه است؛ به همین دلیل، اعتکاف زنان در منازل بهتر است (سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۱۹؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۱۳؛ مرغینانی، بی‌تا: ج ۱: ۱۲۹). در پاسخ به این استدلال نیز می‌توان گفت وجود احتمال، رافع حکم نیست و تا زمانی که احتمال قریب به وقوع نباشد، در فقه مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد؛ چنان که در سایر ابواب فقهی نیز چنین است. علاوه بر این، با تفکیک فضای مساجد و ورودی خاص بانوان، این احتمالات از بین رفته و آنها نیز می‌توانند از این فرصت مناسب بهره‌مند گردند.

نقد و بررسی

چنانکه گذشت دو دیدگاه فقهی در خصوص محل اعتکاف بانوان وجود دارد و جمهور با استناد به دلایل نقلی و عقلی، قائل به لزوم اعتکاف زنان در مساجد بوده و حنفیه نیز با قیاس اعتکاف بر نماز و استناد به دلایل نقلی و عقلی، قائل به لزوم اعتکاف زنان در منزل هستند. در نقد دیدگاه حنفیه می‌توان گفت که با استناد به قاعده «اعمال الکلام اولی من إهماله» (سیوطی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۸) و تصریح به قید «فی المساجد» در منطوق عبارت «و أنتم عاکفون فی المساجد»، الغاء و اهمال این قید بدون دلیل جایز نبوده و پذیرش دیدگاه حنفیه، موجب حمل قید بر لغو بودن یا عبث بودن آن خواهد شد که خلاف اصل است و روایات متعدد و اقوال صحابی نیز بیانگر اعتکاف زنان در مساجد در صدر اسلام است. از سوی دیگر، بحث از تفاوت حکم زنان با مردان در یک مسئله عبادی و از امور مبتلا به است که در صورت تغایر حکم زنان و مردان لازم است، به صورت صریح بدان اشاره شود یا به صورت مشهور روایت شود، به ویژه آنکه در فقه حنفی «روایت آحاد یک امر مبتلا به یا مشهور» حمل بر منسوخ بودن روایت یا ضعف آن دارد (آمدی، بی‌تا، ۳۳۹/۲)؛ به همین دلیل حنفیه حدیث «من مس ذکره فلیتوضأ» از نواقض وضو را که از امور مبتلا به است، به دلیل روایات آن به صورت خبر آحاد نپذیرفته‌اند (عطار الشافعی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۱)، بر این اساس، تصریح به قید «اعتکاف در مسجد»، وجود روایات دال بر اعتکاف زنان در مسجد، عدم وجود روایات صریح بر لزوم اعتکاف زنان در خانه و یا عدم روایت مشهور این امر، سبب ترجیح دیدگاه جمهور می‌گردد.

از سوی دیگر، استناد حنفیه به روایت اعتکاف زنان پیامبر (ص) در خیمه‌ها نیز نمی‌تواند دلیل قطعی برای نفی قید یا تغایر حکم زنان و مردان باشد، بدان علت که از نگاه اصولی ترجیح یک دیدگاه زمانی جایز است که احتمالات مختلف در برداشت از آن وجود نداشته باشد (ابواسحاق شیرازی، ۱۴۰۳ق: ۳۱۹) در حالی که روایت مذکور قطعی نبوده و احتمالات مختلفی همچون: احتمال رقابت بین همسران پیامبر (ص)، تلقی سنت بودن برپا کردن خیمه برای اعتکاف، خوف فتنه از حضور و

ازدحام زنان و ... وجود دارد که سبب می‌شود به‌صورت قطعی نتوان از حدیث ذکر شده حکم اعتکاف زنان در خارج از مسجد را استنباط کرد، خصوصاً آنکه پیامبر (ص) بعد از دیدن خیمه‌ها از اعتکاف صرف‌نظر کرده که مشعر به عدم تقریر و تأیید آن می‌باشد. از سوی دیگر، نهی از اعتکاف زنان در مساجد به دلیل خوف فتنه و اختلاط زنان و مردان، حکمی است که دائرمدار علت می‌باشد و در صورت انتفای آن، حکم نیز تغییر می‌یابد، بر این اساس اگر بنای مساجد به گونه‌ای باشد که حضور و تردد زنان بدون ازدحام یا اختلاط با مردان باشد، اعتکاف آنها نیز در مسجد به حکم اولیه و اصلی خویش باز خواهد گشت و امروزه در غالب مناطق نیز در ساخت مساجد اصول معماری اسلامی رعایت شده؛ لذا استناد به احتمال در بیان احکام شرعی صحیح نخواهد بود.

۳. شرط جامع بودن مسجد محل اعتکاف بانوان

با پذیرش دیدگاه جمهور و ترجیح لزوم اعتکاف بانوان در مسجد، این سوال مطرح می‌شود که آیا اعتکاف باید در مسجد جامع باشد یا در هر مسجدی اعتکاف صحیح است؟ فقها در این باره اقوال مختلفی دارند:

۱. فقهای امامیه معتقدند اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و در این زمینه تفاوتی بین زن و مرد نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق: ۶۸۴/۳).

۲. مالکیه و حنابلّه معتقدند مسجدی که زنان در آن اعتکاف انجام می‌دهند، شرط نیست که مسجد جامع باشد، بلکه اگر در مسجد محله هم باشد کفایت می‌کند (ابن قدامه، ۴۰۵ق: ج ۳: ۱۲۷؛ الدرریر، بی تا، ج ۱: ۵۴۲).

۳. در میان شافعیه نص صریحی در مورد نوع مسجدی که بانوان در آن اعتکاف انجام می‌دهند، صحبتی به میان نیامده؛ اما در برخی از منابع گفته شده زنان می‌توانند در همه مساجد اعتکاف انجام دهند و اگر مسجد جامع باشد، بهتر است (نووی، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۳۹۸). ذکر قید «مسجد جامع» شاید به خاطر این هست که اگر اعتکاف بیشتر از یک هفته باشد، شخص معتکف مجبور می‌شود برای نماز جمعه از مسجد خارج شود و به مسجد جامع برود به همین دلیل باید در مسجد جامع باشد تا خروج از مسجد سبب ابطال اعتکاف وی نشود.

به نظر می‌رسد براساس ظاهر آیه قرآنی و اطلاق عبارت «و اتمم عاکفون فی المساجد» (بقره: ۱۸۷)، اعتکاف در هر مسجدی صحیح بوده و تفاوتی میان مساجد وجود ندارد. تفاوت زنان و مردان در فقه شافعی، مالکی و حنبلی بدان دلیل است که نماز جمعه بر مردان واجب بوده و در صورت تقارن اعتکاف با نماز جمعه، واجب است که معتکف از مسجد خارج شود و این امر موجب اتمام اعتکاف می‌گردد؛ در حالی که حضور در نماز جمعه بر زنان واجب نیست، به همین دلیل می‌توان گفت در این خصوص، بانوان می‌توانند در هر مسجدی اعتکاف نموده و اگر قصد داشته باشند تا از فضیلت نماز

جمعه نیز بهره‌مند گردند، می‌توانند در مسجد جامع معتکف گردند. بر این اساس، الزامی برای اعتکاف بانوان در مسجد جامع وجود ندارد.

۴. اجازه شوهر در اعتکاف بانوان

از موارد اختلاف در بحث اعتکاف زنان، لزوم یا عدم لزوم اجازه از شوهر است. لازم به ذکر است با استناد به حدیث نبوی «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۹: ۸۸)، در عبادات واجب همچون نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان، نیازی به اذن شوهر نیست؛ اما با استناد به روایت ابوهریره که پیامبر (ص) فرمودند: «برای - هیچ - زنی جایز نیست که در زمان حضور شوهرش روزه سنت بگیرد مگر با اذن وی»^۵ (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۷: ۳۰)، در عبادات سنت همچون اعتکاف، اذن شوهر لازم است (نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱۷: ۱۷۵؛ حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۰: ۵۳۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۵۱؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۴۹-۳۵۰؛ ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۳۴۹؛ دسوقی، بی‌تا: ج ۱: ۵۴۵). با توجه به آن‌که در حدیث از نفی و استثناء که از اسلوب‌های حصر در زبان عربی است، استفاده شده، تأکید بر لزوم اذن شوهر در جواز روزه‌داری آشکارتر می‌شود. لازم به ذکر است در حدیث اخیر، بین عبادات واجب و سنت تفاوتی ذکر نشده است؛ با این‌وصف، شارحان برای جمع دو حدیث ذکر شده، حدیث اخیر را حمل بر انجام عبادات سنت کرده و معتقدند که زنان متأهل در زمان حضور شوهرانشان، باید با رضایت و اذن آنها، عبادات سنت را انجام دهند و به دلیل حدیث «اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست»^۶ در انجام عبادات واجب، نیاز به اذن کسی وجود ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق: ۶۹۱/۳)؛ اما در انجام عبادات سنت، اجازه لازم است؛ زیرا رعایت حقوق شوهر واجب می‌باشد و بر انجام اعمال سنت مقدم است (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۰۷؛ ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۳۴۵؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۱۳۵).

نقد و بررسی

جایگاه اذن شوهر در مسائل زنان در حقوق خانواده از اموری است که مذاهب فقهی در مورد چگونگی آن اختلاف نظر دارند و هدف کلی از تشریع احکام مرتبط با خانواده، تضمین انسجام زندگی مشترک در ضمن رعایت حقوق زوجین می‌باشد. بر این اساس، اگر زنی قصد انجام عبادتی مستحب یا عملی مباح را داشته باشد، با توجه به تقدم حقوق زوج بر این دو دسته، اذن زوج در این امور لازم می‌باشد. بنابراین، پذیرش لزوم اذن شوهر در انجام اعتکاف سنت بدان خاطر است که رعایت حقوق شوهر و امکان انجام وظایفی که بر عهده زن گذاشته شده، موجب استحکام خانواده می‌شود (علوان، ۱۴۰۳ق: ۱۱۷-۱۳۸)؛ لذا زنان پس از انجام واجبات، رسیدگی به کارهای مربوط به زندگی خانوادگی برایشان بهتر

۵. لَا يَجُزُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ وَرَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

۶. لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

است تا پرداختن به کارهای مستحب (دهلوی، ۱۴۲۶ق: ج ۲: ۴۴۱). به همین دلیل پیامبر (ص) در احادیثی چون: «هرگاه مردی، همسرش را به رختخواب فرا خواند و زن اجابت نکند و شوهرش شب را با خشم بر او سپری نماید - و از وی ناراحت باشد، فرشتگان تا صبح او را لعنت می کنند» (ابن حبان، ۱۴۰۸ق: ج ۹: ۴۷۱؛ کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۱: ۲۷۹-۲۸۰) و «نماز دو نفر از بالای سرشان بالاتر نمی رود (قبول نمی شود): برده ای که از دست مولایش فرار کرده تا زمانی که برمی گردد و زنی که از شوهرش نافرمانی کرده تا پشیمان می شود»^۷ (حاکم، ۱۴۱۱ق: ج ۴: ۱۵۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۳۳۴؛ نووی، بی تا: ج ۱۶: ۴۱۴؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ق: ج ۹: ۲۳۳ و ۲۹۶؛ جحاوی، بی تا: ج ۳: ۲۳۹) و انجام مستحبات را منوط به عدم اخلال در امور خانوادگی و رضایت شوهر نموده اند (نووی، بی تا: ج ۱۰: ۷؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۵: ۱۸۸؛ مرداوی، بی تا: ج ۸: ۳۴۶)، دلیل تقدم زندگی خانوادگی و رضایت شوهر در انجام مستحبات آن است که از دلایل اصلی ازدواج، استحکام زندگی مشترک و نیاز به برآورده شدن نیازهای زناشویی بوده (دهلوی، ۱۴۲۶ق: ج ۲: ۲۱۰؛ مطیری، ۱۴۱۱ق: ۵۸-۵۹) و در صورت تعارض مستحب با واجب، امور واجب (رعایت حقوق مشترک و زناشویی و حفظ خانواده) مقدم می شود. برخی از دلایل فقهی لزوم اذن شوهر در اعتکاف و سایر امور مستحب عبارتند از:

الف) در احادیثی مانند: «قسم به کسی که جان من در دست اوست اگر مردی همسرش را به بسترش فراخواند و او امتناع ورزد، و مرد آن شب با عصبانیت از او بگذراند، ملائکه تا صبح زن را نفرین می کنند»^۸ (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۴: ۱۱۶) و حدیث: «قسم به کسی که جان من در دست اوست اگر مردی همسرش را به بسترش فراخواند و او امتناع ورزد، خداوندی که در آسمان است بر او خشمگین می شود مگر آنکه مرد از وی راضی شود»^۹ (مسلم، ۱۹۹۵م: ج ۲: ۱۰۶۰) و حدیث: «هرگاه زنی در حالی که بستر شوهرش را ترک نموده، بخوابد، فرشتگان تا صبح او را لعنت می کنند تا زمانی که آن زن برگردد»^{۱۰} (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۷: ۳۰؛ مسلم، ۱۹۹۵م: ج ۲: ۱۰۵۹)، لزوم تقدم مسائل زندگی مشترک و روابط زناشویی مورد تأکید قرار گرفته و تخلف از آن نوعی گناه معرفی شده است.

ب) فقها بر وجوب تمکین زوجه نسبت به زوج اجماع نموده و اختلافی در این باره وجود ندارد؛ زیرا یکی از مهم ترین اهداف نکاح، رابطه زناشویی است (دسوقی، بی تا: ج ۲: ۲۱۵؛ بکری، ۱۴۱۸ق: ج ۳: ۳۴۰؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۵: ۱۸۸؛ مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۹ق: ۱۳).

^۷ اثنانِ لا تجاوزُ صلاتَهُما رؤوسَهُما: عبدُ أبی من موالیه حتی یرجع، وامرأةٌ عصتُ زَوْجَها حتی ترجع.

^۸ إذا دعا الرجل امرأته إلى فراشه فأبت فبات غضبان عليها لعنتها الملائكة حتى تصبح.

^۹ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهَا، فَنَتَأْتِي عَلَيْهِ، إِلَّا كَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ سَاخِطًا عَلَيْهَا حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا.

^{۱۰} إِذَا بَاتَتِ الْمَرْأَةُ مَهْجَرَةً فِرَاشِ زَوْجِهَا، لَعَنَتَهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَرْجِعَ.

ج) از نظر اسلام پاسخگویی به غریزه جنسی باید به صورت مشروع محقق شود و از این رو ممانعت یک طرف از رفع کامل این نیاز به صورت متعارف، به ویژه از سوی زن، برخلاف اصل فوق است و رسیدن به نیازهای طبیعی امر از مقومات زندگی مشترک به حساب می آید (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۹ق: ۱۳).
 د) رعایت حقوق زوج بر زوجه واجب است و در تعارض یا تراحم با عبادات مستحب، اصل بر لزوم اذن زوج است (نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۳۱: ۱۴۷؛ حرعاملی، بی تا: ج ۱۴: ۱۱۲) و براساس قاعده «اذا تَعَارَضَ الْوُاجِبُ وَالْمُسْتَوْنُ وَضَاقَ الْوَقْتُ عَنِ الْمُسْتَوْنِ يَتْرُكُ تَقْدِيمًا لِمَصْلَحَةِ الْوُاجِبِ» اگر اعتکاف سنت یا سایر عبادات مستحب و مسنون با حقوق زوج تعارض داشته باشد، اولویت و ترجیح با واجب است و اگر در تراحم نباشد، بدیهی است که زن در انجام عبادات مستحب مختار خواهد بود (زرکشی، ۱۴۰۵ق: ج ۱: ۳۴۶؛ آل بورنو، ۱۴۲۴ق: ج ۲: ۳۶۵).

با استناد به دلایل نقلی و عقلی فوق، فقها بر لزوم اذن شوهر، در انجام اعتکاف اتفاق نظر دارند؛ اما لازم به ذکر است که اذن شوهر در انجام اعتکاف مطلق نیست و در مواردی، نیاز به اذن شوهر در انجام اعتکاف نمی باشد. توضیح آنکه در تقسیم بندی اعتکاف، می توان انواع آن را به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

۴-۱. اذن زوج در اعتکاف تطوع

اعتکاف در اصل مستحب است و همچون سایر عبادات مستحب، به توان و رغبت مکلف بستگی دارد. درباره اذن همسر برای اعتکاف سنت دیدگاه های زیر ارائه شده است:

۱. از نگاه حنفیه، شروع سنت، آن را تبدیل به واجب می کند و ترک سنت بعد از شروع موجب قضا می شود و اذن زوج در صحت اعتکاف شرط است. بر این اساس، اگر زنی بدون اجازه شوهر، اعتکاف را شروع کرده و شوهر او را منع کند؛ زوجه باید قضای اعتکاف واجب شده را به جای آورد (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۰۸-۱۰۹؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۴۱)؛ اما اگر شوهر به زن اجازه اعتکاف دهد و زن با اجازه وی اعتکاف را شروع کند، پس از آن شوهر اجازه منع وی را نداشته و به دلیل واجب شدن اعتکاف، زن باید اعتکاف خود را ادامه دهد و در صورت ترک آن، باید قضای آن را به جای آورد (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۰۸-۱۰۹؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۲: ۱۲۵؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۴۱).

۲. از نگاه امامیه، اذن شوهر در اعتکاف شرط است و اگر صاحب ولایت -زوج یا سید- اذن اعتکاف بدهد، دیگر نمی تواند رجوع کند (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱: ۲۸۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۶۷۳).

۳. مالکیه معتقدند اگر مرد به زن اجازه اعتکاف بدهد و زن اعتکاف را شروع نماید، دیگر زوج نمی تواند مانع انجام اعتکاف شود؛ اما اگر زوجه اعتکاف را شروع نکرده باشد؛ می تواند مانع اعتکاف وی شود (دسوقی، بی تا: ج ۲: ۵۴۵).

۴. از نگاه شافعی و حنبله، شروع سنت، آن را واجب نمی‌کند و فرد در ادامه یا ترک آن مختار است. بر این اساس، اذن زوج برای شروع اعتکاف لازم است؛ اما اگر زوجه اعتکاف را شروع کرده باشد، زوج در هر صورت - خواه اجازه شوهر را داشته باشد یا نه - می‌تواند او را از ادامه اعتکاف منع نماید. دلیل روایی شافعی و حنبله آن است که پیامبر (ص) به همسرانش اجازه اعتکاف داده و سپس ایشان را منع کردند (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۳: ۴۹) که این امر بیانگر جواز منع بعد از اذن است. از سوی دیگر، شروع عبادت سنت به معنای واجب شدن آن نمی‌باشد؛ بر این اساس، شروع اعتکاف سنت به معنای وجوب آن نیست؛ لذا اگر حقی قبل از شروع سنت ثابت بوده است، بعد از انجام آن نیز، ثابت می‌ماند (بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۰؛ ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۳۴۹). بنابراین براساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد در اعتکاف تطوع نظر احناف و امامیه راجح باشد؛ زیرا وقتی که زوج به زوجه اذن دخول به اعتکاف را داده باشد دیگر مانع که حق زوج است از بین رفته و بنابراین لزومی ندارد که زوج از رأی خود بازگردد، چراکه باید زوج، قبل از اذن تمام جوانب این مسئله را بررسی نماید.

۴-۲. اذن زوج در اعتکاف واجب

اعتکاف سنت است و اگر شخصی نذر نماید، به جای آوردن آن واجب می‌شود. فقها اتفاق نظر دارند که اگر زوجه، اعتکاف را بر خود نذر کند، باید پیش از آن، از زوج اجازه بگیرد و بدون اجازه زوج، حق نذر یا شروع آن را ندارد (دسوقی، بی‌تا: ج ۱: ۵۴۵؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۰-۳۵۱؛ ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۳۴۹-۳۵۰، ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۵۱؛ نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱۷: ۱۷۵). همچنین اگر زوجه، اعتکاف معینی را بدون اذن زوج، بر خود واجب کرد؛ نمی‌تواند بدون اذن زوج به اعتکاف داخل شود؛ زیرا نیازها و حقوق زوج مقدم بر اعتکاف است؛ اما اگر زوجه نذر معینی نماید و زوج به او اذن دهد، جایز است زن اعتکاف خود را شروع کند و در این حالت شوهر حق ندارد زوجه را از اعتکاف منع کند، هرچند زوجه اعتکاف را شروع نکرده باشد؛ زیرا اذن در نذر به معنای اذن شروع نذر است و زوجه با اذن زوج اعتکاف را شروع کرده و پس از آن، زوج نمی‌تواند او را از اعتکاف بازدارد (دسوقی، بی‌تا: ج ۱: ۵۴۵؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۰؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۵۱؛ ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۳۴۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۶۹؛ نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱۷: ۱۷۵)، و در این حالت اعتکاف به حج قیاس می‌شود (بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۰-۳۵۱؛ ابواسحاق شیرازی، بی‌تا: ج ۱: ۳۴۹-۳۵۰).

۵. تداخل عده با اعتکاف

از مباحث مرتبط با اعتکاف بانوان، تداخل یا تقارن زمانی عده ماهیانه با اعتکاف است. واژه «عِدَّة» اسم مصدر ثلاثی مجرد از «عَدَّ، یَعُدُّ» و «اعتداد» مصدر باب افتعال است. جمع «عِدَّة»، «عِدَد» است که

در لغت به معنای گروه و شمارش کردن آمده است و عِدّه مشتمل بر تعداد «قرء و ماه» می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۴؛ فیومی، ۱۴۰۵ق: ۳۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱: ۳۱۵). عده در اصطلاح عبارت است از مدت معینی که زوج برای اظهار حزن وفات شوهر خود یا به خاطر اطمینان از عدم حاملگی از ازدواج خودداری می کند و مبنای آن توقیف است (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۳: ۵۰۲؛ خرسی، ۱۳۱۷ق: ج ۴: ۱۳۶؛ نووی، بی تا: ج ۱۸: ۱۲۴؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۵: ۴۱۱). جمهور مذاهب فقهی با استناد به اطلاق آیه نخست سوره طلاق معتقدند زنان مطلقه رجعیه در حال عده می توانند در خانه خودشان بمانند؛ اما در مورد خروج از خانه اختلاف نظر وجود دارد. شافعی و حنفیه معتقدند که زنان در حال عده جز برای امور ضروری و یا به دلیل عذری خاص نمی توانند از خانه خارج شوند؛ در حالی که حنبله و مالکیه معتقدند زنان می توانند در طول روز از خانه خارج شوند؛ اما شب باید به خانه مراجعه کرده و جایز نیست شب را در غیر خانه خویش سپری کنند (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۳: ۲۰۵؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۶: ۳۶-۳۲؛ نووی، ۱۴۱۲ق: ج ۸: ۱۴۶؛ شربینی، ۱۴۱۵ق: ج ۳: ۴۰۳). فقهای امامیه در این باره ۴ قول عدم جواز، جواز، جواز خروج در زمان اضطرار و خروج زن بعد از نیمه شب به شرط مراجعت تا طلوع فجر را ذکر نموده اند (نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۳۲: ۳۳۲؛ شهید ثانی، ۱۳۸۶ق: ج ۶: ۷۴-۷۷). از نگاه شافعیه، حنبله و مالکیه، زنان مطلقه بآنچه می توانند در طول روز برای پرداختن به کارهای روزمره و نیازهای شخصی از خانه خارج شوند؛ اما در طول شب باید به منزل مراجعت کند؛ هر چند شافعیه خروج شبانه زن معتده بآنچه را برای رفع نیازهای شخصی، به شرط وجود امنیت جایز دانسته اند (قرطبی، ۱۹۶۴م: ج ۱۸: ۱۵۴-۱۵۵؛ شربینی، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۴۰۳؛ نووی، ۱۴۱۲ق: ج ۸: ۴۱۶)؛ اما حنفیه خروج زنان در دوران عده طلاق بآن را نیز به دلیل اطلاق آیه و ادله جایز نمی دانند (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۳: ۲۰۵). جمهور مذاهب اهل سنت خروج زنان در دوران عده وفات را برای انجام امور شخصی جایز دانسته اند (کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۳: ۲۰۵؛ شربینی، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۴۰۳؛ نووی، ۱۴۱۲ق: ج ۸: ۴۱۶؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۹: ۱۷۶؛ قرطبی، ۱۹۶۴م: ج ۱۸: ۱۵۴-۱۵۵). به نظر می رسد تأکید عبارت «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ» در آیه نخست سوره طلاق، برای رعایت حقوق مالی و امنیت مسکن زنان در دوران عده است و آیات در راستای اثبات حقی خاص برای زنان است نه ایجاد محدودیت یا محرومیت؛ بر این اساس، اگر زنی در دوران عده امکان استفاده از مسکن شوهر سابق یا متوفای خویش را داشته باشد و با رضایت و میل خویش قصد به جای آوردن اعتکاف را داشته باشد، اصل بر آن است که اعتکاف و به جای آوردن مناسک عبادی منافاتی با محدودیت های فقهی همچون: عدم اجازه ازدواج و خواستگاری از زنان، عدم تبرج و خودآرایی و ... نداشته باشد و زمانی که در اعتکاف به عبادت مشغول است نیز می تواند به عنوان بخشی از ایام عده به شمار آید و نظر راجع عدم تداخل عده و اعتکاف است و بنابراین امکان جمع بین این دو امر شرعی وجود دارد.

با این وصف، در مذاهب فقهی، تداخل عده با اعتکاف را در سه حالت بررسی کرده‌اند: (۱) خانمی که با اذن همسرش اعتکافش را شروع کرده و سپس بنا به دلایلی از جمله وفات و ... رعایت عده بر او واجب شود. (۲) خانمی که همسرش فوت کرده باشد و یا او را طلاق داده شده باشد و در این حالت آن خانم نذر به اعتکاف نماید. (۳) آیا در موارد فوق پرداخت كفاره بر آن خانم واجب می‌شود یا نه؟ فقها در مورد این سه مسئله دیدگاه‌های مختلفی دارند که در ادامه خواهد آمد:

۵-۱. عارض شدن عده بر اعتکاف

فقها در مورد حکم زنی که در حالت اعتکاف، شوهرش وفات کند یا آنکه او را طلاق دهد، اختلاف نظر دارند:

۱. مالکیه و قولی از شافعیه بر آن است که اگر عده بر اعتکاف عارض شود، بر آن زن واجب است که ابتدا اعتکاف را به پایان برساند و سپس به خانه برگردد و عده وفات یا طلاق را شروع نماید. مبنای دیدگاه این دسته از فقها آن است که در این حالت، دو واجب در تعارض با همدیگر واقع شده‌اند و در صورت به وجود آمدن چنین تعارضی، نخستین حالت تقدم پیدا کرده و با توجه به این که در فرض اخیر، اعتکاف مقدم بوده است، باید آن را به پایان رسانده و سپس عده را شروع نماید (دسوقی، بی تا: ج ۱: ۵۴۵؛ نووی، بی تا: ج ۶: ۵۱۶).

۲. حنفیه، حنابل و شافعیه در قولی دیگر معتقدند در صورت حدوث عده برای زن معتکف، واجب است زن به خانه برگردد و عده اش را سپری کند و پس از اتمام عده، می‌تواند اعتکافش را از سر بگیرد. لازم به ذکر است از نگاه برخی همچون ابن سیرج شافعی، اگر زن نذر کرده به صورت متوالی و متتابع، اعتکاف کند؛ با خروج از مسجد، توالی اعتکاف نیز باطل شده و باید اعتکاف را از ابتدا شروع نماید (نووی، بی تا: ج ۶: ۵۱۵-۵۱۶). مبنای فقهی دیدگاه اخیر آن است که عده طلاق یا وفات، حق الله است و نمی‌توان آن را به خاطر اعتکاف ترک کرده و یا به تعویق انداخت و همان طور که بر مردان معتکف لازم است که برای نماز جمعه و امر واجب از اعتکاف خارج شوند، زنان هم برای عده که امری واجب است لازم است که از اعتکاف خارج شوند (نووی، بی تا: ج ۶: ۴۱۶؛ زبیلی، ۱۳۱۴ق: ج ۱: ۳۵۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۴۹).

۳. امامیه معتقدند اگر در اثنای اعتکاف، طلاق رجعی واقع شود، واجب است که زن به خانه برگردد و عده اش را سپری کند؛ زیرا هدف از طلاق رجعی، تشویق برای تداوم زندگی زناشویی است و حضور زن در خانه شوهر، تحقق این هدف را تسهیل می‌کند؛ لذا در این حالت زن باید از مسجد خارج شده و اعتکاف وی به پایان رسیده و لازم است در زمان دیگر آن را از سر بگیرد؛ اما اگر طلاق بائن باشد، لازم نیست عده را شروع کند و می‌تواند در مسجد بماند و اعتکافش را ادامه دهد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق: ج ۲: ۷۹-۸۰).

نکته دیگری که در این زمینه قابل ذکر است، نذر اعتکاف در زمان عده است. بدان معنا که اگر زنی در حال گذراندن عده - طلاق یا وفات - باشد و در این زمان اعتکاف را نیز بر خود نذر نماید، در منابع فقهی حکم این تداخل به صورت خاص ذکر نشده است و ظاهراً خرسی از فقهای مالکی معتقد است در این حالت واجب است زن عده خود را در منزل سپری کرده و بعد از آن اعتکاف منذور خود را شروع کند (خرسی، ۱۳۱۷ق: ج ۲: ۲۷۰).

۲-۵. وجوب كفاره در صورت تقارن اعتكاف با عده

از موارد قابل ذکر در مورد اعتکاف بانوان این است که اگر خانمی از اعتکاف خارج شود، آیا باید كفاره پرداخت نماید؟ در ادامه به بیان دیدگاه فقها در این زمینه پرداخته خواهد شد.

۱. مالکیه، احناف و شافعیه قائل به وجوب پرداخت كفاره از سوی معتکف به دلیل خروج از اعتکاف بوده و معتقدند که ثبوت كفاره نیازمند نص صحیح و صریح است و در صورت نبودن دلیل خاص، اصل بر عدم است، همچنان که اگر در ماه رمضان عذری غیر عمدی بر شخص حادث شود، كفاره روزه واجب نمی شود و شخص باید بعد از رفع عذر، فقط روزه خود را قضا کند، پس به طریق اولی، عارض شدن عده و خروج معتکف، موجب كفاره نخواهد بود (نووی، بی تا: ج ۲: ۴۰۹؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۱۲۷؛ زیلعی، ۱۳۱۴ق: ج ۱: ۳۵۱).

۲. حنابلہ در این زمینه دو دیدگاه دارند: نخست) برخی معتقدند برای خارج شدن از اعتکاف منذور و شروع عده، پرداخت كفاره واجب است، همچنان که در شکستن سوگند نیز كفاره واجب می شود (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۴۹). دوم) دسته دیگر معتقدند برای خارج شدن از اعتکاف منذور و شروع عده، كفاره لازم نیست چون علت خروج از اعتکاف، انجام کار واجب بوده، بنابراین در این حالت یعنی خروج از اعتکاف برای عده همانند خروج به جهت حیض و نفاس نیاز به كفاره ندارد (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۴۹).

۳. فقهای امامیه درباره كفاره خروج از اعتکاف دو دیدگاه متفاوت دارند: ۱) دسته ای معتقدند اگر معتکف در روز اول یا دوم، اعتکافش را فاسد کند، بر او كفاره واجب نمی شود مگر این که اعتکافش واجب معین باشد؛ اما اگر در روز سوم آن را فاسد نماید كفاره بر او واجب است؛ مگر این که در نیت اعتکاف شرط فسخ نموده باشد (نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱۷: ۲۰۷). ۲) دسته دیگر معتقدند با توجه به عدم وجود نص صریح، كفاره اعتکاف تنها در صورت ابطال آن به دلیل جماع ثابت می شود و در سایر موارد، تنها باید قضای آن به جای آورده شود (حرعاملی، بی تا، ج ۱۰: ۵۴۶) به نظر می رسد طرفداران دیدگاه اخیر، اعتکاف را بر روزه قیاس نموده و همچنان که در صورت افطار روزه با جماع، علاوه بر قضای روزه، كفاره نیز واجب می گردد، معتقدند در صورت ابطال اعتکاف با جماع نیز، علاوه بر قضای اعتکاف، كفاره نیز واجب می شود و در این حالت تفاوتی بین كفاره واجب و

مستحب وجود ندارد و در صورت اعتکاف مستحب، نیز احوط، پرداخت کفاره است (طباطبایی بزدی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۶۹۷).

۶. اعتکاف زنان مستحاضه

از دیگر حالات خاص بانوان در دوران اعتکاف، تداخل یا تقارن اعتکاف با استحاضه است. «حیض» در لغت به معنای جاری شدن و روان شدن (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۱۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴: ۲۹۸) و در اصطلاح به خونی گفته می‌شود که در زمان مشخص به صورت طبیعی، از قسمت انتهایی رحم بانوان پس از بلوغ آن‌ها خارج می‌شود (سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۴۷؛ خرسی، ۱۳۱۷ق: ج ۱: ۲۰۳؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۱: ۱۹۶، زحیلی، ۱۴۳۲ق: ج ۱: ۱۱۵)؛ و «استحاضه» به معنای استمرار و تداوم خونریزی حیض است و به خونی گفته می‌شود که در غیر زمان حیض و نفاس از رگی به نام عاذل که در ابتدای رحم است، خارج می‌شود، این خون وضو را باطل می‌کند؛ اما برخلاف حیض، غسل و ترک نماز و روزه را واجب نمی‌کند (وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۶۰؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۴۷؛ خرسی، ۱۳۱۷ق: ج ۱: ۲۰۳؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۱: ۱۹۶، زحیلی، ۱۴۳۲ق: ج ۱: ۱۱۵). از نگاه فقهی، استحاضه مانع اعتکاف نیست؛ چون مستحاضه از حیث فقهی، در حکم طاهره است، به شرط آنکه خوف آلوده شدن مسجد نباشد، حضور و ماندن وی در مسجد جایز است. فقها با استناد به روایت «اعتکف معه بعض نسائه وهي مستحاضة تری الدم» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۱: ۶۹) گفته‌اند که این حدیث نه تنها دلالت بر جواز اعتکاف زنان در مسجد دارد؛ بلکه بر جواز اعتکاف زنان مستحاضه نیز دلالت دارد (عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ج ۱: ۴۱۲). از سوی دیگر با توجه به قاعده فقهی «مقدمه واجب، واجب است»، پاک نگه داشتن مسجد از آلوده شدن به خون و سایر نجاست واجب است، بنابراین لازم است مستحاضه در هنگام نیاز و ضرورت از مسجد خارج شده و پس از رفع حاجت، اعتکاف را از سر بگیرد و خروج در این حالت مبطل اعتکاف نبوده و بر خروج معتکف برای قضای حاجت قیاس می‌شود (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ج ۱: ۲۹۸؛ خرسی، ۱۳۱۷ق: ج ۱: ۲۰۷؛ نووی، بی‌تا: ج ۶: ۵۲۰؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۸).

۷. مبطلات (مفسدات) خاص بانوان در اعتکاف

فساد و بطلان از نگاه جمهور اصولیان مترادف بوده و در فقه حنفی این دو در باب معاملات مفهومی متمایز دارند و فساد در معاملات، مرتبه‌ای بین صحیح و فاسد است (آمدی، بی‌تا: ج ۱: ۱۳۳؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۱: ۸۹؛ رازی، ۱۴۱۸ق: ج ۱: ۱۱۲؛ ابن قدامه، ۱۴۲۳ق: ج ۱: ۱۸۳؛ غزالی، ۱۴۱۳ق: ج ۱: ۷۶؛ نمله، ۱۴۲۰ق: ج ۱: ۴۱۴؛ ذوالفقارطلب و جمالی، ۱۴۰۲ش، ۹-۱۰). با توجه به آنکه اعتکاف از مباحث عبادی است، اختلاف مذکور تأثیری در تحلیل فقهی مسئله نخواهد داشت. در یک تقسیم‌بندی کلی، مبطلات اعتکاف را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) مبطلات مشترک:

این دسته از مبطلات شامل مبطلاتی هستند که بین زنان و مردان مشترک بوده و عبارتند از: جماع، خروج بدون عذر از مسجد، ارتداد، جنون، بیهوشی و اغماء. ب) مبطلات خاص زنان: این دسته شامل مبطلاتی می‌شوند که خاص زنان بوده و عبارتند از: حیض و نفاس (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق: ج ۳: ۱۳۱؛ نجفی، ۱۳۶۲ش: ج ۱۷: ۲۰۹؛ حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۰: ۵۴۵-۵۴۷؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق: ج ۲: ۳۵۱؛ زحیلی، ۱۴۳۲، ج ۲: ۲۴۸؛ قرافی، ۱۹۹۴م: ج ۲: ۵۴۴-۵۴۵؛ عبدالبر، ۱۴۰۰ق: ج ۱: ۳۵۴).

درخصوص تداخل مبطلات خاص زنان در زمان اعتکاف، امکان حدوث حالات زیر وجود دارد:
الف) حکم حدوث حیض یا نفاس در حالت اعتکاف چیست؟ ب) کیفیت خروج حائض یا نفاس از نگاه مذاهب فقهی به چه صورت است؟ ج) پس از اتمام دوران حیض یا نفاس، از سرگیری اعتکاف به چه صورت خواهد بود؟

همه مذاهب بر حرمت ماندن حائض و نفساء در مسجد اتفاق نظر دارند؛ بنابراین زمانی که معتکف، دچار حیض و نفاس شود، باید مسجد را ترک نماید (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۱۶؛ الخرش، ۱۳۱۷ق، ج ۱: ۲۰۹، نووی، بی‌تا، ج ۶: ۴۷۶؛ بهوتی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۳۵۸؛ حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۰: ۵۵۵). فقها برای بیان لزوم خروج از حائض و نفساء از مسجد به حدیث: «لَا أُحِلُّ الْمَسْجِدَ لِحَائِضٍ وَلَا جُنُبٍ» (ابوداود، بی‌تا، ج ۱: ۶۰) استناد کرده و معتقدند براساس حدیث فوق، ماندن جُنُب و حائض جایز نیست و با توجه به آنکه، اعتکاف به معنای ماندن و حضور معتکف در مسجد می‌باشد؛ بر این اساس، اعتکاف حائض جایز نبوده و حیض مبطل اعتکاف می‌باشد. بدیهی است که نفساء نیز به دلیل مشابهت در علت حکم، در حکم حائض بوده و نفاس، مبطل اعتکاف می‌باشد.

حال این سوال مطرح می‌شود که در صورت حدوث حیض، آیا حائض یا نفساء باید اعتکاف را به اتمام برسانند و یا آنکه می‌توانند اعتکاف را ادامه داده و در صحن یا فضای خارجی مسجد به اعتکاف خویش ادامه دهند؟ فقها در این زمینه چند قول بیان نموده‌اند:

۱. حنفیه، امامیه، مالکیه، شافعیه و روایتی از حنابله معتقد است که در صورت عارض شدن حیض و نفاس، زن معتکف باید اعتکاف را پایان دهد و ادامه اعتکاف در فضای خارجی مسجد صحیح نیست؛ چون فضای چسبیده به مسجد دو حالت دارد، یا به صورت مسقف و محجر در آمده و جزو مسجد به‌شمار می‌آید که در این صورت ماندن در آن نیز همچون مسجد جایز نمی‌باشد، و اگر فضای بیرونی مسجد، جزو مسجد به‌شمار نیاید، ماندن در آنجا، عبادت به‌شمار نمی‌آید (سرخی، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۱۹؛ خرش، ۱۳۱۷ق: ج ۲: ۲۷۸-۲۷۹؛ نووی، ۱۴۱۲ق: ج ۲: ۴۰۷؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۱۶۷؛ حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۰: ۵۵۵).

۲. حنابله معتقدند زن معتکف حائض یا نفساء می‌تواند در صحن مسجد خیمه بزند و در آنجا بماند تا زمانی که پاک شود، البته اگر ماندنش بدون ضرر باشد و خوف کثیف شدن مسجد وجود نداشته باشد در غیر این صورت باید از مسجد خارج شود (ابن مفلح، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۱۶۷). مبنای دیدگاه اخیر، روایت «كَانَ الْمُعْتَكِفَاتُ إِذَا حِضْنَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِإِخْرَاجِهِنَّ عَنِ الْمَسْجِدِ وَأَنْ يَضْرِبْنَ

الْأَخْبِيَّةَ فِي رَحْبَةِ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَطْهَرْنَ» (ابن مفلح، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۱۶۶-۱۶۷) است که بیانگر جواز ادامه اعتکاف در صحن یا حیاط خارجی مسجد می‌باشد. لازم به ذکر است این گروه از فقهای حنبلی معتقدند که ماندن در صحن مسجد مستحب است و واجب نیست و زن می‌تواند در این حالت اعتکاف را ترک کرده و به خانه باز گردد (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق: ج ۳: ۲۰۶؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۱۶۷).

با مقایسه دیدگاه‌های فوق می‌توان گفت دیدگاه نخست راجح باشد؛ زیرا مدت زمان حیض طولانی است و ماندن زیاد در صحن مسجد ممکن است موجب سختی برای زن، ایجاد مزاحمت و فتنه گردد؛ لذا ترک اعتکاف و بازگشت به خانه در این حالت بهتر به نظر می‌رسد. نکته پایانی در خصوص اعتکاف بانوان، کیفیت از سرگیری اعتکاف بانوان، پس از اتمام حیض و با نفاس است. فقها در این باره معتقدند:

۱. حنفیه، امامیه و قول اظهر شافعیه بر آن است که هنگامی که زن معتکف دچار حیض و نفاس شد با خروج از مسجد محرمات اعتکاف برای وی حلال می‌شود. همچنین اگر نذر متتابع کرده باشد با خروج از اعتکاف نذر متتابع قطع می‌شود و بعد از پاک شدن باید اعتکاف خود را از ابتدا از سر بگیرد؛ البته این مسئله برای زمانی است که بعد از حیض و نفاس امکان قضای اعتکاف منذور را داشته باشد، به عنوان مثال اگر زنی نذر کند که یک هفته نذر متتابع انجام دهد و در طول این هفته حیض بر او عارض شود، در این حالت نذر متتابع قطع می‌شود چون زن می‌تواند در طول سه هفته دیگر که طاهر است نذر خود را ادا کند، ولی اگر مدت زمان نذر به گونه‌ای باشد که خالی از عذر نباشد در این حالت نذر متتابع قطع نمی‌شود و بعد از پاک شدن و طاهر شدن اعتکاف منذور خود را ادامه می‌دهد. به عنوان مثال اگر زنی نذر کند که یک ماه اعتکاف انجام دهد از آنجا که زنان در هر ماه دارای یک دوره حیض هستند و یک ماه خالی از عذر حیض نیست، بنابراین شخص حائض بعد از پاک شدن می‌تواند اعتکاف منذور خود را ادامه دهد (سرخسی، ۱۴۲۱ق: ج ۳: ۱۲۱؛ نووی، بی‌تا: ج ۶: ۵۱۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق: ج ۳: ۶۹۷).

۲. مالکیه و حنابله معتقدند هنگامی که زن معتکف به سبب رخ دادن حیض و نفاس برای او، از مسجد خارج می‌شود در زمان گذارندن دوره حیض و یا نفاس نباید مبطلات اعتکاف را انجام دهد - و گویی که اعتکاف وی حتی با وجود خروج از مسجد ادامه دارد - و حتی اگر اعتکاف به نذر معین نموده باشد، براساس این قول وی می‌تواند به مسجد برگردد و اعتکاف خود را ادامه دهد (خرشی، ۱۳۱۷ق: ج ۲: ۲۶۹؛ دسوقی، بی‌تا: ج ۱: ۵۴۴؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴ق: ج ۵: ۱۶۷).

نتایج

انجام اعمال مذهبی‌ای همچون اعتکاف یکی از توانمندی‌های انسان است که راه‌های کنار آمدن و راهبردهای حل مسئله و رویارویی با مشکلات را برای وی در زندگی فراهم کرده و به مثابه منبع حمایت

اجتماعی در برابر سردرگمی‌ها و مصیبت‌ها، احساسی از معناداری را در قلب وی ایجاد می‌کند. اعتکاف از عبادات سنت مسبوق به سابقه در ادیان پیش از اسلام است و دلیل مشروعیت آن در قرآن کریم، احادیث نبوی و اجماع ذکر شده است. هدف از اعتکاف وقف قلب به اطاعت از خداوند متعال و دوری از مخلوق و انس گرفتن و راز و نیاز با خالق است و معتکف از طریق اعتکاف و دعا و مناجات در ضمن آن سعی می‌کند صفات خدایی را در خود ایجاد و تقویت کند و کوشش می‌نماید که همچنان که خدا را به صفاتی مانند مهربانی و گذشت متصف می‌سازد، وی نیز با دیگران مهربان و با گذشت باشد. واضح است که کسب اخلاق خدایی و تثبیت آن در نفس، موجب قرب به پروردگار و تکامل معنوی انسان می‌گردد.

۳. اعتکاف شرعا به معنای ماندن و اقامت کردن در مسجدی که نماز جماعت در آن خوانده می‌شود با نیت مخصوص و به قصد انجام عبادت و با وجود شرایطی خاص است. هر چند در میان فقهای مذاهب درباره حکم اعتکاف سنت اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ اما اگر اعتکاف منذور باشد همه فقها متفق القول اند که واجب است.

۴. زنان همچون مردان - بدون در نظر گرفتن جنسیت - با استناد به آیه ۱۸۷ سوره بقره که می‌فرماید: «وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» مخاطب اعتکاف هستند.

۵. از جمله نقاط افتراق بین زنان و مردان درباره محل اعتکاف است. جمهور فقهای مالکیه، حنابله، امامیه و قول جدید شافعی بر آن است که محل اعتکاف بانوان مسجد است؛ اما احناف در این زمینه دو دیدگاه دارند: الف) معتقدند محل اعتکاف بانوان منزل می‌باشد. ب) روایتی از امام ابوحنیفه و قول قدیم امام شافعی بر آن است که اعتکاف بانوان در مسجد بدون اشکال است؛ اما اگر در خانه باشد افضل است.

۶. در مورد شرط جامع بودن مسجد محل اعتکاف بانوان فقها دیدگاه‌های متفاوتی دارند: مالکیه و حنابله معتقدند مسجدی که زنان در آن اعتکاف انجام می‌دهند، شرط نیست که مسجد جامع باشد. در میان شافعیه نص صریحی در مورد جامع بودن مسجد نیامده است؛ اما در برخی از منابع ذکر شده است که زنان می‌توانند در همه مساجد اعتکاف نمایند و اگر مسجد جامع باشد افضل است. احناف هم معتقدند مکان اعتکاف بانوان در منزل است پس در این حالت شرط جامع بودن مسجد منتفی می‌شود. امامیه در این باره مسئله‌ای بیان ننموده‌اند و فقط محل آن را مسجد بیان کرده‌اند.

۷. از مسائل اختصاصی زنان متأهل اذن همسر برای انجام عبادات سنت است که اعتکاف هم از این مسئله مستثنی نیست؛ اما اگر عبادت واجب باشد مانند نماز اذن همسر لازم نیست.

۸. در بحث اجتماع عده و اعتکاف مالکیه و قولی از شافعیه معتقدند که زن باید اعتکافش را تمام کند و سپس عده را شروع کند؛ اما احناف و حنابله و امامیه و قولی دیگر از شافعیه معتقدند که ابتدا عده را سپری کند سپس اعتکاف را از سر بگیرد. همچنین مالکیه معتقدند چنانچه زنی که در

- حال سپری کردن عده‌است، اعتکاف را بر خود نذر کند وی ابتدا باید عده را بگذراند و سپس اعتکاف منذور را انجام دهد. در سایر مذاهب مطلب خاصی در این موضوع ذکر نشده‌است.
۹. در بحث کفاره اعتکاف حنابله با قیاس اعتکاف منذور به سوگند معتقد به پرداخته کفاره هستند و امامیه نیز در صورت ابطال اعتکاف با جماع کفاره را واجب می‌دانند.
۱۰. همه فقهای مذاهب اتفاق نظر دارند زمانی که زن دچار حیض و نفاس شد، باید مسجد را ترک کند؛ اما در مورد کیفیت خروج وی احناف و مالکیه و شافعیه و روایتی از حنابله معتقد است که زن معتکف هنگامی که حیض و نفاس بر او عارض شد باید فوراً مسجد را ترک کند چه مسجد صحن داشته باشد یا نه. حنابله معتقدند که زن می‌تواند در صحن مسجد چادر بزند البته اگر ماندنش موجب ضرر نشود و خوف کثیف شدن مسجد را نداشته باشد.
۱۱. کیفیت از سرگیری اعتکاف بعد از پاک شدن از حیض و نفاس به این صورت است که احناف و قول اظهر شافعیه براین باورند که زنی که دچار حیض و نفاس شده‌است با خروج از مسجد محرمات اعتکاف برای او حلال می‌شود؛ اما مالکیه و حنابله معتقدند با خروج از مسجد و در هنگام گذراندن دوره حیض و نفاس نباید مبطلات اعتکاف را انجام دهند.
۱۲. مستحاضه، می‌تواند اعتکاف انجام دهد و در حکم طاهره است و نشستن در مسجد برایش جایز است البته به این شرط که خوف کثیف شدن مسجد را نداشته باشد.

منابع

قرآن کریم

- ابن رشد، محمد (۱۴۲۵ق). بدايه المجتهد و نهايه المقتصد. قاهره: دار الحديث.
- ابن عابدين، محمد امين (۱۴۱۲ق). حاشيه ابن عابدين. بيروت: دارالفكر.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۵ق). المغنى. بيروت: دارالفكر.
- _____ (۱۴۲۳ق). روضه الناظر. بيروت: موسسه الريان.
- ابن مفلح، شمس الدين (۱۴۲۴ق). الفروع. بيروت: موسسه دار الرساله.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بيروت: دارصادر.
- ابن نجيم، زين الدين (بى تا). البحر الرائق شرح كنز الدقائق. بيروت: دار الكتاب الاسلامى.
- ابن همام، كمال الدين (۱۳۸۹ق). فتح القدير. بيروت: دار الفكر.
- ابواسحاق شيرازى، ابراهيم (۱۴۰۳ق). التبصره. دمشق: دارالفكر.
- _____ (بى تا). المذهب فى فقه الامام شافعى. بيروت: دارالكتب العلميه.
- اصفهانى، ابوالقاسم حسين بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فى غريب القرآن. بيروت: دارالقلم.
- آل بورنو، محمد صدقي (۱۴۲۴ق). مؤسّعة القواعد الفقهية. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- آمدى، سيف الدين (بى تا). الاحكام فى اصول الاحكام. بيروت: المكتب الإسلامى.
- بخارى، محمد (۱۴۲۲ق). صحيح البخارى. بيروت: دار طوق النجاة.
- بهوتى، منصور بن يونس (۱۳۸۸ق). كشاف القناع. رياض: مكتبه النصر الحديثه.
- جمالى، محمد؛ ذوالفقارطلب، مصطفى. (۱۴۰۲ش). غرر و امكان سنجى ميزان مؤثر آن بر معاملات در فقه اسلامى. مجله مطالعات تطبيقى فقه و اصول. دانشگاه كردستان. دوره ۶. ش ۱. صص ۱-۲۵.
- حاكم، ابو عبدالله (۱۴۱۱ق). المستدرک على الصحيحين. بيروت: دار الكتب العلميه.
- حراغملی، محمد بن حسن (بى تا). وسائل الشيعه. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- خرشى، ابو عبدالله (۱۳۱۷ق). شرح الخرشي على مختصر خليل. بيروت: دار الفكر للطباعة.
- خويى، سيد ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعه الامام الخويى. قم: موسسه احياء آثار الامام الخويى.
- دسوقي، محمد (بى تا). ى. بيروت: دار الفكر.

- رحياني، مصطفى (١٩٦١). مطالب أولي النهى في شرح غاية المنتهى. بيروت: المكتب الإسلامي.
- رضايي اصفهاني، محمد علي (١٣٨٨ش). زبان قرآن عرف عام يا خاص. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن كريم. قم: دانشكده علوم و معارف قرآن كريم. ٣ (١). ٩٢-١١٩.
- زحيلي، محمد (١٤٣٢ق). المعتمد في فقه الشافعي. بيروت: دار الشاميه.
- زركشي، بدر الدين (١٤٠٥ق). المنثور في القواعد الفقهية. كويت: وزارة الأوقاف.
- زيعلي، شهاب الدين (١٣١٤ق). تبين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي. قاهره: مكتبه الكبرى الاميريه.
- زين الدين، محمد امين (١٤١٣). كلمة التقوى. قم: چاپخانه مهر.
- ساداتي نژاد، سيدمهدى (١٣٩٢ش). بومي سازي علوم انساني و ضرورت بازييني مباني انسان شناسي. پژوهش هاي سياست اسلامي. قم. ١ (٢). ٦١-٧٤.
- سرخسي، شمس الدين (١٤٢١ق). المبسوط. بيروت: دارالفكر.
- سيوطي، عبدالرحمن (١٤١١ق). الاشباه و النظائر. بيروت: دارالكتب العلميه.
- شربيني، محمد خطيب (١٤١٥ق). مغني المحتاج الى معرفه المعاني اللفاظ المنهاج. بيروت: دارالمعرفه.
- طباطبايي حكيم، سيد محسن (١٣٧٤ش). مستمسك العروة الوثقى. قم: دار التفسير.
- طباطبايي يزدي، سيد محمد كاظم (١٤٢٠ق). العروة الوثقى. قم: موسسه نشر اسلامي.
- طوسي، ابوجعفر محمد (١٣٨٧ق). المبسوط. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- عاملی جبعی (شهيد ثانی)، زين الدين بن علي (١٣٧٤ش). تمهيد القواعد. قم: دفتر تبليغات اسلامي.
- _____ (١٣٨٦ق). شرح المعه. بی نا.
- عطار الشافعي، حسن بن محمد (بی تا). حاشية العطار على شرح الجلال المحلي على جمع الجوامع. بيروت: دار الكتب العلمية.
- فاضل لنكراني، محمد (١٤٢٢ق). التعليقات على العروة الوثقى. قم: مركز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فراهيدی، خليل بن أحمد (بی تا). كتاب العين. بيروت: دار ومكتبة الهلال.
- فيومي، احمد بن محمد (١٤٠٥ق). المصباح المنير في غريب الشرح الكبير. بيروت: المكتبة العلميه.
- قرافي، شهاب الدين احمد (١٩٩٤م). الذخير. بيروت: دار الغرب الاسلامي.

- كاساني، علاء الدين (١٤٠٦ق). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. بيروت: دارالكتب العلمية.
- كاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بي تا). كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء. اصفهان: مهدي.
- كليني، ابوجعفر محمد (١٣٦٧ش). الفروع من الكافي. چ ٣. طهران: دار الكتب الإسلامية.
- مسلم، مسلم بن الحجاج النيشابوري (١٩٩٥م). صحيح مسلم. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- مرغيناني، علي بن ابي بكر (بي تا). الهداية شرح البداية. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- مؤمنی، عابدين؛ رستمی، سهيلا؛ احمدی، ابوبكر؛ سجادی، شيلان (١٣٩٩). آثار مترتب بر حكم يا حق بودن تمكين در فقه مذاهب اسلامي. مجله مطالعات تقريبي مذاهب اسلامي. تهران: دانشگاه بين المللي مذاهب اسلامي. دوره ١٥-ش ٥٣. صص ٥-٢١.
- نجفی، محمد حسن (١٣٦٢ش). جواهر الكلام. چ ٧. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- نراقی، ملا احمد بن محمد (١٤٢٥). تذكرة الاحباب. قم: دفتر تبليغات اسلامي.
- نووی، ابوزكريا يحيى (١٤١٢ق). روضه الطالبين و عمده المتفقيين. بيروت: المكتب الاسلامي.
- _____ (بي تا). المجموع. بيروت: دارالفكر.
- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية (١٤٠٤-١٤٢٧ق). الموسوعة الفقهية الكويتية. كويت: دارالسلاسل.

Soo, H. (2017). The impact of religious practice and religious coping on geriatric depression. *International Journal of Geriatric Psychiatry*. 18 (10). 905-9.